

()

دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی (گرایش سیستم) دانشگاه تربیت مدرس
تاریخ دریافت: ۸۵/۱۲/۵ تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۲

در کشورهای کمتر توسعه یافته، یا در حال توسعه‌ای همچون ایران، معمولاً طرح‌های توسعه‌ای به دلیل حاکمیت رویکردهای غیر علمی در فاز امکان‌سنجی (فاز صفر) شان، سبب تخریب محیط‌زیست، ناپایداری توسعه و برهم زدن آمایش سرزمین مناطق می‌شود. تجربیات بیشماری نشان می‌دهد، معمولاً راه‌حل‌ها و راهکارهای ارائه شده برای رفع این پیامدهای ناگوار، به دلیل این که با تأخیر زمانی رخ می‌دهد چاره ساز نیست. این مقاله با نگرشی سیستمی و با استفاده از تئوری مفهوم‌سازی بنیادی و با استناد به نظریه "چرخه تخریب محیط زیست" Gladwin ، به عارضه‌یابی و آسیب شناسی علل و پیامدهای وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست در کلاردشت می‌پردازد. رویش سه نظریه علمی جدید در حوزه دانش مدیریت محیط‌زیست، از دیگر دستاوردهای این پژوهش بوده و به دلیل اینکه گستره وسیع‌تری از واقعیت‌های بومی کشورمان را در باره پدیده تخریب در برمی‌گیرد، نسبت به دیگر نظریه‌های ارائه شده توسط صاحب‌نظران و مؤسسات بین‌المللی، از قدرت توضیح‌دهی بالاتری نسبت به رفتار پدیده برخوردار است. این سه نظریه؛ رشد بی‌رویه جمعیت، فقدان چشم‌انداز درازمدت و حاکمیت تفکر خطی بر مدل‌های ذهنی مردم و مدیران جوامع کمتر توسعه یافته را علت اصلی تخریب محیط‌زیست تشخیص داده است.

چرخه تخریب محیط‌زیست- توسعه پایدار- تئوری مفهوم‌سازی بنیادی (GT)- چشم‌انداز- تفکر خطی (LT)- کلاردشت

کلاردشت که (همچون دیگر هموطنان) بتازگی پیامدهای اقتصادی- اجتماعی دوران انقلاب، جنگ و پس از جنگ را پشت سر گذاشته بودند و در ابتدای دوره گذار قرار داشتند، مبادرت کردند. پیامد ناشی از خرید و فروش زمین‌های کشاورزی مردم، فقط در کاهش سرمایه‌های انسانی در آن منطقه خلاصه نمی‌شد، بلکه جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمین‌های منطقه، سازوکاری را ایجاد می‌کرد تا به واسطه آن، مردم برای رسیدن به سهم بیشتری از منافع کوتاه‌مدت اقتصادی، اقدام به تخریب جنگل‌ها و منابع ملی کنند، و یا برای رسیدن به سود اقتصادی بیشتر، به فروش چندباره زمین‌های خود بپردازند (برارپور، ب ۱۳۸۵) و همین موضوع زمینه‌ساز کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی، همچون: اعتماد متقابل، آرامش، امنیت و تشخیص فرهنگی در آن منطقه شد.

از نیمه اول دهه ۷۰ به بعد نیز، با مطرح شدن پروژه‌های سریالی همچون: احداث آزاد راه تهران- شمال، طرح خروج دام از مرتع (برارپور و کلانتر، الف ۱۳۸۵)، پروژه استخراج سنگ‌های تزئینی رودبارک (برارپور و کلانتر، ب ۱۳۸۵)، احداث سد و نیروگاه آبی سیاه بیشه (برارپور و کلانتر، ب ۱۳۸۵)، واگذاری جنگل‌های پهن‌برگ حاشیه شهر کلاردشت به

کلاردشت منطقه‌ای زیبا و باستانی با قدمت ۴۰۰۰ ساله، در غرب استان مازندران است که دارای جاذبه‌های گردشگری طبیعی منحصر به فردی است. به همین دلیل همواره مورد توجه و شکارگاه شاهان سلسله‌های مختلف نیز، بوده است (ملک‌پور، ۱۳۷۸). اگرچه تاریخچه توسعه این منطقه، به نیمه اول دهه ۴۰ برمی‌گردد و پروژه توسعه آن یکی از اولویت‌های طرح انقلاب سفید پهلوی دوم به حساب می‌آمد (برارپور و صلاحی‌نژاد، ۱۳۸۵)، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و براساس توصیه یکی از دولت‌مردان کشورمان به سرمایه‌داران داخلی در اردیبهشت ۱۳۷۰، مبنی بر انتقال سرمایه خود به منطقه کلاردشت به منظور توسعه جاذبه‌های گردشگری آن، خیل عظیمی از سرمایه‌های اقتصادی آنها به کلاردشت گسیل شد. این درحالی بود که پیش از آن، هیچ‌گونه مطالعه امکان‌سنجی‌ای در خصوص جهانگردی شدن کلاردشت صورت نگرفته بود البته صاحبان سرمایه، نه با هدف سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری، بلکه با نگاه اعیان‌نشینی^۱ و اهداف سوداگرایانه به خرید و فروش زمین‌های مردم

که حدود ۳۰۰۰ هکتار از آنها دربرگیرنده بهترین جنگل‌ها و منابع ملی در کلاردشت است، بابت پروژه‌های یاد شده به مجریان آنها و دستگاه‌های ویژه واگذار می‌شد. شکل‌های شماره (۱ تا ۶)، فقط بخشی از زدایش جنگل‌ها و واگذاری آنها را به افراد به تصویر کشیده است.

کارمندان دولت (برارپوروکلانتر، الف ۱۳۸۵)، برداشت‌های غیرعلمی از جنگل‌ها و تصاحب تپه‌های مشرف به شهر کلاردشت توسط وزارت مسکن و شهرسازی، سازوکارهای دیگری برای تخریب و کاهش سرمایه‌های طبیعی کلاردشت آشکار شد که به موجب آن بیش از ۱۰ هزار هکتار از اراضی ملی در مناطق البرز مرکزی و غرب‌مازندران



(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

()



(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

()



(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

()



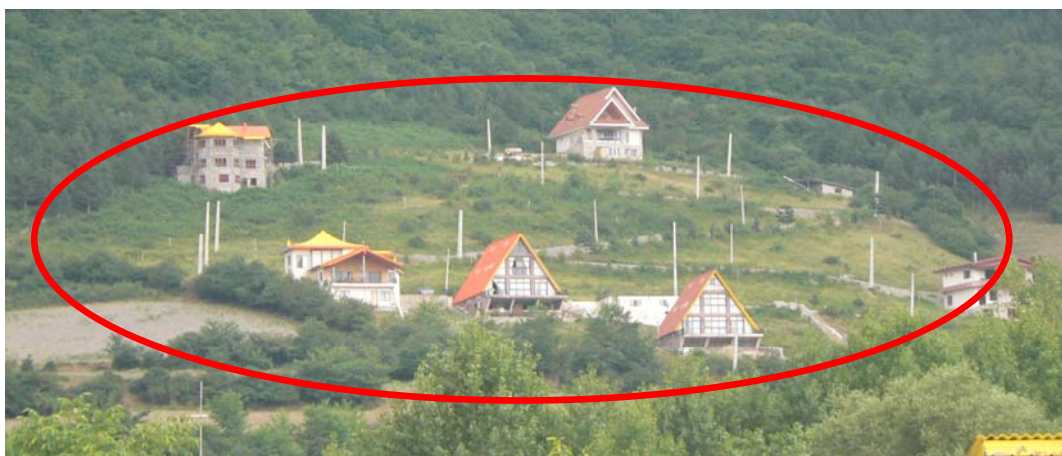
(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

: ()



(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

: ()



():

(بر گرفته از: آرشیو پژوهش)

(2004, Soubbotina) نیز علت‌های تخریب را صرفاً درونزا برمی‌شمرد. اما مطالعه‌ای که علت‌های تخریب محیط زیست را برونزا تشخیص داده باشد یافت نشد.

کلوپ روم، مرکب از گروهی از روشنفکران (Waters, 1995)، طی گزارشی درباره ابعاد و پیامدهای جهانی تخریب محیط زیست اعلام می‌کند: "روندهای رشد جمعیت و رشد اقتصاد جهانی، به گونه‌ای است که کره زمین به دلیل ایجاد محدودیت‌هایی، گنجایش آن را ندارد. نمودهایی از این محدودیت‌ها در سه حوزه منابع غذایی، منابع معدنی و انرژی و همچنین آلودگی محیط زیست، تبلور یافته است." این گزارش می‌افزاید: "تخریب محیط زیست که علت اصلی گرم شدن کره زمین است، باعث پیدایش پیامدهای دیگری همچون؛ سوراخ شدن لایه ازن، آلودگی جو زمین، از بین رفتن جنگل‌ها و تغییرات آب و هوایی در ابعاد جهانی شده است." لواسانی (۱۳۷۱)، نیز طی مطالعه‌ای اعلام می‌کند: "بتازگی در ادبیات امنیت ملی، گرایشی مطرح شده که از مسایل و معضلات زیست محیطی به عنوان تهدیدهای نوینی علیه امنیت در ابعاد ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، یاد می‌کند."

هدف این نوشتار تبیین و تشریح علل و پیامدهای ناشی از بروز «چرخه تخریب محیط زیست» در گذار دشت، با استفاده از مدل‌های مفهومی سیستمی، به منظور پیشینه‌سازی سطح آگاهی عمومی، برای جلوگیری از روند رو به رشد چرخه تخریب محیط زیست در آن منطقه است. تولید نظریه یا نظریه‌هایی که بتواند چگونگی و فرآیند شکل‌گیری چرخه تخریب محیط زیست را توضیح دهد، از اهداف تکمیلی این پژوهش به حساب می‌آید.

در باره تخریب محیط زیست نظریه‌های گوناگونی وجود دارد. از جمله نظریه «چرخه تخریب محیط زیست»، ارائه شده توسط آقای Gladwin (1997)^۲ که به صورت زیر تبیین میشود:

- تخریب محیط زیست باعث تهی‌سازی سرمایه‌ها میشود
- تهی‌سازی سرمایه‌ها معادل نابودی فضای عملیاتی کره زمین است
- نابودی فضای عملیاتی باعث فقرزایی، کمبود منابع و در نهایت روند نزولی ابعاد انسانی، اقتصادی و اجتماعی توسعه و نابودی محیط زیست میشود.
- وجود این چرخه سبب نارضایتی مردم میشود
- نارضایتی مردم سبب بروز اختلال در کسب و کار، اقتصاد و اجتماع میشود.

سازمانهای جهانی، مؤسسات بین‌المللی و صاحب‌نظران دیگری نیز؛ نظریه‌های مکملی را در این باره ارائه کرده‌اند. کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست (World Commission on Environment and Development, 1987) and سازمان ملل متحد (UNDP, 2005) و (UN, 2006)، بانک جهانی (The World Bank, 2006a,b,c,d)، واترز (Waters, 1995) به نقل از فولر، گلاوین (Gladwin, 1995, 2000) و بارو (Barrow, 2005)، علل بروز چرخه تخریب محیط زیست را برای جوامع محلی، یا اجتماعات شهری^۲، مورد بررسی قرار داده‌اند. این دسته از صاحب‌نظران علت‌ها را درونزا و برونزا می‌دانند.

اهمیت و ضرورت اجرای این پژوهش بدان دلیل معنا می‌یابد که: "جامعه انسانی و طبیعی کلاردشت از مشکلی بسیار جدی به نام: تخریب محیط‌زیست، در عذاب است که آن نیز خود، از دو معضل ساخت‌وسازهای غیرمجاز و رشد ایستای سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در آن منطقه سرچشمه می‌گیرد.

مقاله پیش‌رو، پس از تبیین روش‌شناسی^۳ پژوهش، به کاوش نتایج حاصل از آن و ارائه نظریه‌های بومی، درباره علت‌های وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست می‌پردازد.

پژوهش حاضر بر مبنای رویکرد کیفی شکل گرفته و مبنای فلسفی آن نیز مبتنی بر پارادایم انتقادی پایه‌ریزی شده است. راهبرد این پژوهش "نظریه مفهوم‌سازی بنیادی"^۴ (GT) است. به اعتقاد مارتین و ترنر^۵، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی نوعی تئوری استقرایی بوده و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا مبنای نظری را از ویژگی‌های عمومی یا کلی موضوع، که همزمان ریشه در مشاهدات یا داده‌های تجربی دارد، ارائه دهد.

استراوس و کاربین^۶ نیز معتقدند، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی نوعی استراتژی کیفی در پژوهش است که برای تدوین تئوری در مورد پدیده‌ای به صورت استقرایی، مجموعه‌ای سیستماتیک از روش‌ها را به کار می‌برد^۷. فاز یک (فاز طراحی) این پژوهش شامل دوگام است:

۱- مرور متون تخصصی پژوهش شامل؛ سئوالات پژوهش و تعریف سازه‌های از پیش تعیین شده

۲- انتخاب مطالعات موردی^۸ که از طریق نمونه‌گیری نظری(نه تصادفی) صورت می‌پذیرد.

سئوالات این پژوهش عبارت است از:

چرخه تخریب محیط‌زیست(بویژه در کلاردشت)، طی چه فرایندها یا فرایندهایی شکل می‌گیرد؟

۱- علت‌ها و عوامل رخداد چرخه تخریب محیط‌زیست و پیامدهای بعدی آن چه هستند؟

۲- چه ایده‌هایی برای بهبود اوضاع محیط‌زیست وجود دارد؟ در GT، عناصر شکل‌دهنده نظریه عبارتند از: مفاهیم^۹، گروه‌های مفهومی(مقوله‌ها)^{۱۱} و قضیه‌ها(شبکه‌های مفهومی)^{۱۲}. در فرایند تحلیل داده، سه فرایند همپوش مشخص وجود دارد که روش‌های نمونه‌گیری نیز براساس آنها انتخاب می‌شود. این سه فرایند عبارت است از: کدگذاری باز، یا آزاد^{۱۳}، کدگذاری محوری^{۱۴}، و کدگذاری انتخابی^{۱۵}

()
در این مطالعه، رویش و تدوین نظریه بنیادی طی سه مرحله تحلیلی(توالی آنها الزامی نیست) و هفت گام صورت پذیرفت. این سه مرحله عبارت است از: گردآوری داده، تجزیه و تحلیل داده و نظریه‌سازی.

() : منبع گردآوری داده در این پژوهش عبارت است از: مصاحبه، مشاهدات میدانی، پرسش‌نامه، مستندات نظریه‌یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها، دست نوشته‌ها، گزارش‌های تاریخی، گزارش‌های علمی، مطالب روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌ها. گردآوری داده به صورت موضوعی و در چهار دسته از مفاهیم اساسی تمرکز دارد که عبارتند از:

۱- مطالعات موردی(شامل؛ طرح‌ها، یا پروژه‌هایی که باعث بروز و

یا تقویت چرخه تخریب شده‌اند)،

۲- علت‌های وقوع چرخه،

۳- پیامدهای ناشی از رخداد چرخه تخریب،

۴- چگونگی کنترل و درهم شکستن چرخه تخریب و فعال‌سازی حلقه‌های رشد، یا حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست به‌طور همزمان.

این مرحله درسه گام اجرایی وارد فاز عملیاتی شد ۱- تدوین پروتکل دقیق گردآوری داده به منظور تشکیل پایگاه‌های داده‌های مطالعات موردی و استفاده از شیوه‌های چندگانه برای گردآوری داده‌ها
۲- ورود به میدان تحقیق به منظور گردآوری داده‌های کمی و کیفی و تحلیل مقدماتی آنها ۳- تنظیم داده‌ها از نظر جنبه‌های تقویمی و زمان رخداد آنها. نکته قابل توجه در طول این مرحله آن بود که در نمونه‌برداری جهت‌دار، یا نظری، نمونه‌های انتخاب‌شده، همواره می‌باید متوجه نظریه، یا نظریه‌های در حال شکل‌گیری باشد. در طول بررسی مطالعات موردی در این پژوهش، سه شرط در نظر گرفته شده بود: سوابق تخریب محیط‌زیست، شواهد وقوع تخریب و راهبردی‌های برخورد با پدیده تخریب.

برای تجزیه و تحلیل نخستین مطالعه موردی(پروژه آزادراه تهران-شمال)، لازم بود تا اطلاعات مورد نظر گردآوری شود. این اطلاعات می‌باید مفاهیم لازم از جمله؛ معرفی پروژه، شرح ماجرا، شواهد دال بر وقوع تخریب و علل وقوع تخریب محیط‌زیست و پیامدهای بعدی آنرا دربر گیرد.

جدول شماره(۱) شناسنامه گردآوری داده را در چند مطالعه، پایش کرده که مطالعات موردی را به اختصار با حروف لاتین نمایش داده است.

() : Case (منبع: آرشیو پژوهش)

		(Case)	
۶۱	در ۳ مرحله	۹۴	X (پروژه آزادراه تهران - شمال)
۷۲	در ۳ مرحله	۷۲	Y (طرح خروج دام از جنگل) و (طرح واگذاری جنگل به کارمندان دولت)
۲۸	در ۲ مرحله	۲۹	Z (پروژه استخراج سنگ از معدن بربر رودبارک)
۵	در ۳ مرحله	۷	W (طرح‌های بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل‌ها)
۲	در ۲ مرحله	۳	J (پروژه احداث سدسیاه بیشه)
۱۰	در ۲ مرحله	۱۷	K (آلودگی و تخریب محیط زیست توسط مردم)
۱۷۸	۹۹ مدرک مرحله اول ۷۱ مدرک مرحله دوم ۵۲ مدرک مرحله سوم	۲۲۲	جمع

:

پس از استخراج مفاهیم، طی فرایند کدبندی آزاد، در این گام که مبنای آن «ترسیم مفاهیم»^{۱۷} است، به نمایش مفاهیم و آشکارسازی سازوکارهای ارتباطی بین آنها پرداخته می‌شود. حاصل این فرایند، ظهور حلقه‌های علت- معلولی یا شبکه‌های مفهومی شکل‌های شماره (۷ تا ۱۴)، است که به صورت تدریجی کامل شده و پدیده «چرخه تخریب محیط‌زیست محلی» را درکلاردشت از زوایای علت‌شناسی و پیامدهای برآمده از آنها، مورد بررسی سیستمی قرار می‌گیرد.

:

شکل شماره (۷)، سازوکار عرضه و تقاضا را درحالت بازارکامل در اقتصاد نمایش می‌دهد (Sterman, 2000). بر این اساس، وقتی عرضه افزایش می‌یابد، قیمت کاهش و در نهایت تقاضا افزایش می‌یابد. بر اساس سازوکار بازگشتی، با افزایش تقاضا، قیمت نیز افزایش یافته و در نهایت این روند افزایشی قیمت، موجب افزایش عرضه شده و بدین ترتیب تعادل عرضه و تقاضای کالا در اقتصاد حفظ می‌شود. مدل مفهومی شکل شماره (۷)، دو بازخورد منفی، یکی در بخش عرضه و دیگری در بخش تقاضا را نمایش می‌دهد که در طول زمان، یکدیگر را کنترل می‌کنند. ماهیت کنترلی ناشی از بازخورد منفی مدل، برای حفظ تعادل سازوکار عرضه و تقاضا در بازار کامل است.

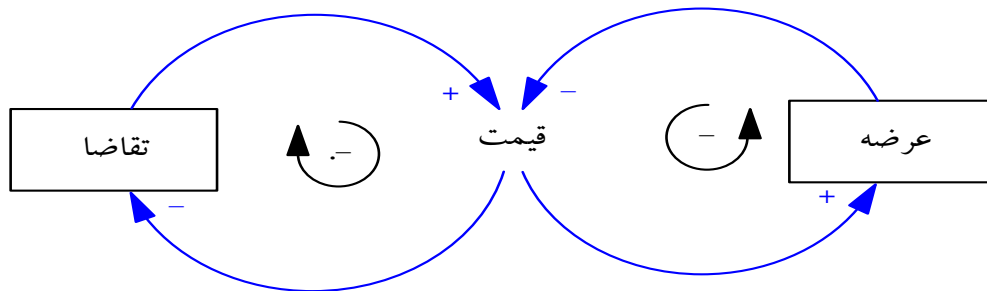
(

اجرای است:
۱- تحلیل داده‌های مربوط به مطالعه موردی نخست با استفاده از کدگذاری آزاد، محوری و انتخابی
۲- نمونه‌گیری نظری از طریق تکرار پذیری نظری و لغوی میان مطالعات موردی بعدی. نکته قابل توجه در این گام آن است که اگر کفایت نظری صورت نگرفت، باید به مرحله الف (مرحله گردآوری داده) بازگشت.
۳- پایان فرایند، زمانی که کفایت نظری میسر شد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها (مطالعات موردی) از روش تلفیقی "رویش نظریه" و "مفهوسازی سیستمی" استفاده شده، که یک روش نظام‌مند برای کشف نظریه از "داده" است.

() :

این پژوهش پس از استخراج داده از مطالعات موردی، وارد فرایند کدگذاری آزاد می‌شود. مبنای این فرایند "شکل‌گیری مفاهیم"^{۱۶} در ذهن است. در مرحله کدبندی آزاد، ۱۱ مفهوم به عنوان علت و ۲۵ مفهوم به عنوان پیامدهای وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست در کلاردشت شناسایی شده است.

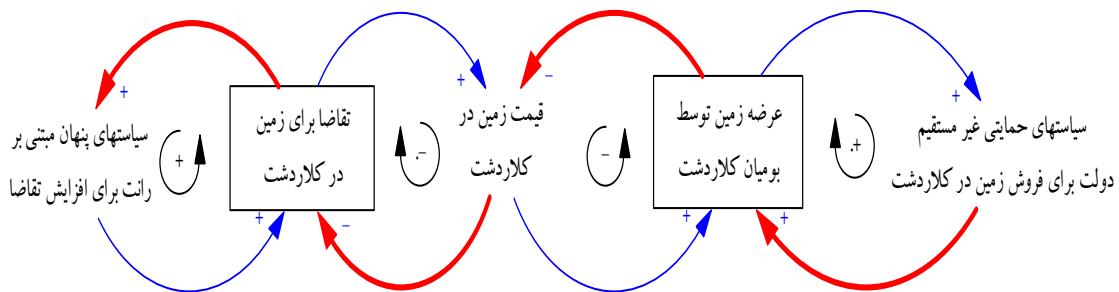


(Sterman, 2000)

(1):

"سیاست‌های حمایتی غیرمستقیم دولت^۸ برای فروش زمین در کلاردشت، موجب عرضه بیشتر زمین توسط بومیان منطقه و در نتیجه کاهش قیمت زمین در کوتاه مدت می‌شود. کاهش کوتاه مدت قیمت زمین از یک سو و سیاست‌های پنهان مبتنی بر رانت، برای افزایش تقاضای زمین در منطقه از سوی دیگر، موجب افزایش تقاضا برای زمین در کلاردشت شده است. این افزایش تقاضا در دینامیک بازگشتی در مدل مفهومی شکل شماره(۸)، سبب افزایش مرحله‌های قیمت و در نهایت عرضه بیشتر زمین توسط بومیان منطقه شده است."

مطالعات مشترک (برابری و صلاحی نژاد ۱۳۸۵) حاکی از آن است که در کشورهای با رویکردهای درون‌نگر به اقتصاد (همچون کشورما) که معمولاً با هدف حمایت از تولیدکننده، یا به قصد پشتیبانی از مصرف‌کننده همراه است، تعادل عرضه و تقاضا در اقتصاد به هم خورده و مدل مفهومی شکل شماره(۷)، برای این گونه از کشورها پاسخگو نیست. با این منطق، شکل شماره(۸)، که مدل مفهومی عرضه و تقاضای زمین در کلاردشت را به نمایش گذارده این گونه بیان می‌کند:



(2):

(برابری و صلاحی نژاد، ۱۳۸۵)

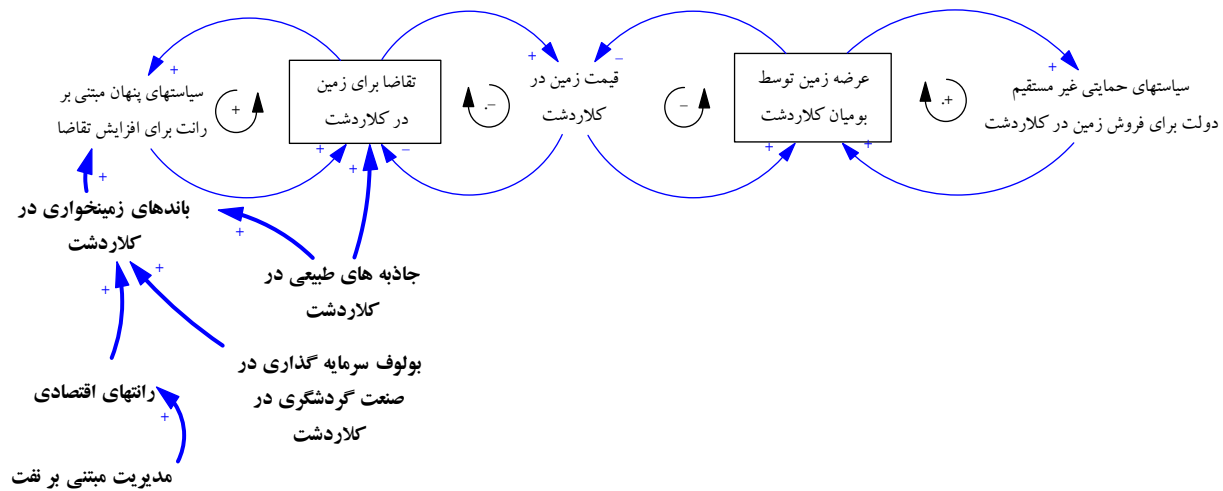
توسط یکی از سیاستمداران کشورمان مطرح شد از یک سو و ظهور رانت‌های اقتصادی و اطلاعاتی که اغلب، ریشه در مدیریت متکی بر نفت در کشورمان دارد، از سوی دیگر (همچنین جاذبه‌های گردشگری منحصر به فرد منطقه کلاردشت)، سبب آشکار شدن و قدرت گرفتن باندهای زمین‌خواری در کلاردشت شده و مدیریت تقاضا و کنترل قیمت زمین در منطقه را در اختیار گرفته است. مدل مفهومی شکل شماره(۹)، پویایی مفاهیم فوق را نمایش می‌دهد.

اگر چه مدل مفهومی بالا، بنیان‌های چرخه تخریب محیط‌زیست در کلاردشت را پایه‌ریزی می‌کند، اما قبل از پرداختن به پیامدهای پسین آن، به تشریح علت‌های پیشین شکل‌گیری این پدیده اقتصادی- اجتماعی، پرداخته می‌شود.

)

(

مطالعات تکمیلی نشان می‌دهد که تشویق توأم با بلوف برای سرمایه‌گذاری در کلاردشت، برای توسعه صنعت گردشگری که

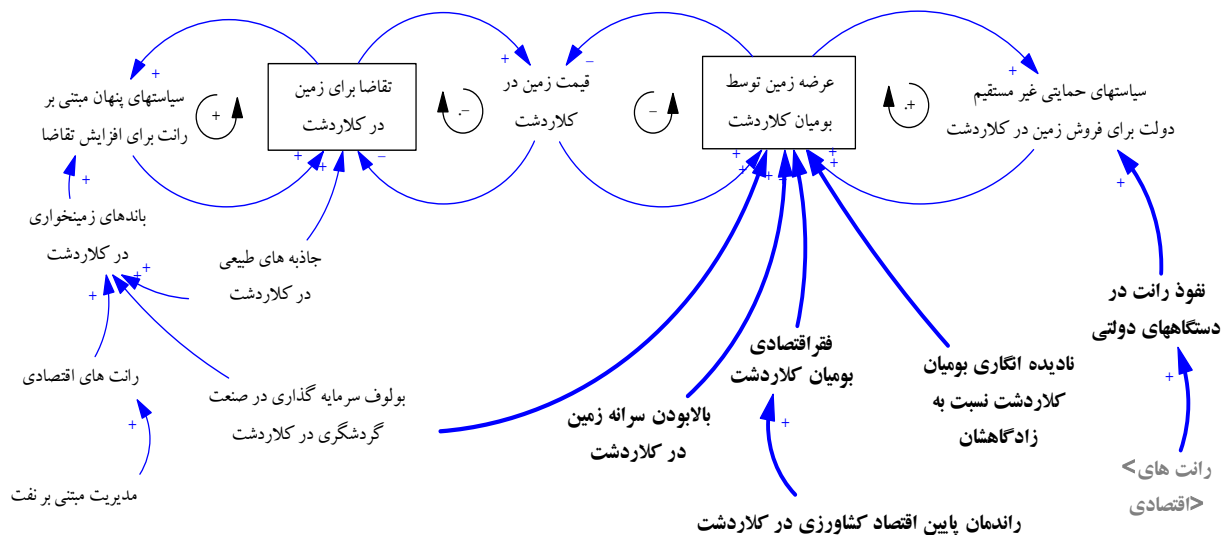


(برابرپور، ۱۳۸۵)

() :

سرمایه‌گذاری بر روی صنعت گردشگری در منطقه و همچنین نادیده‌انگاری بومیان نسبت به ارزش‌های فرهنگی زادگاهشان، سلسله علت‌هایی است که باعث شده تا بومیان منطقه به فروش غیرطبیعی و خارج از نرم‌های جامعه‌شناختی زمین‌هایشان بپردازند. مدل مفهومی شکل شماره (۱۰)، ضمن نمایش چگونگی تأثیرگذاری رانت‌های اقتصادی بر بخش عرضه زمین در کلاردشت، سازوکار یادشده را آشکار ساخته است

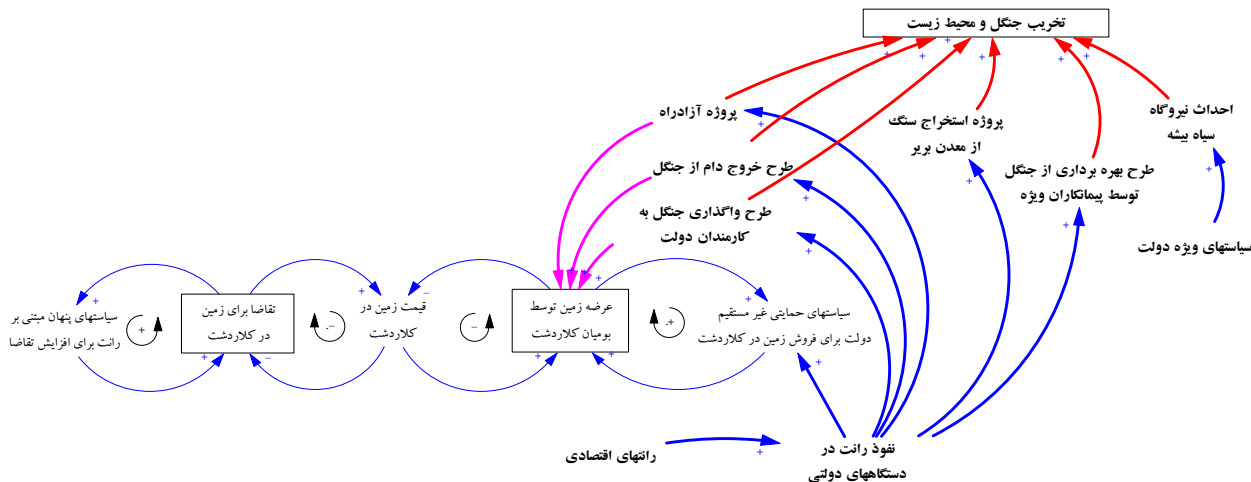
مدل شکل شماره (۱۰) نیز با نگاه علت‌شناسی به تحلیل سازوکار عرضه و چگونگی تأثیر آن بر تقاضای زمین در کلاردشت، در یک بازار رانتی در بخش عرضه پرداخته است. براین اساس؛ بالا بودن سرانه زمین همراه با افزایش جمعیت در کلاردشت، فقر ساکنان محلی که ریشه در بازده پایین اقتصادکشاورزی منطقه دارد، بلوف



() :

آورده و چه ناهنجاری‌های اجتماعی را در آینده به بار خواهد آورد؟
 مدل مفهومی شکل شماره (۱۱)، چگونگی تأثیرگذاری رانتهای
 اقتصادی، بر پروژه‌های به ظاهر توسعه‌ای، اما با ماهیت تخریب‌زایی را
 نشان می‌دهد.

اما سؤال قابل طرح در این بخش آن است که؛ سازوکارهای
 یادشده، چه پیامدهای ناگواری را در زمان حال در منطقه به ارمغان



() :

(منبع: یافته‌های پژوهش)

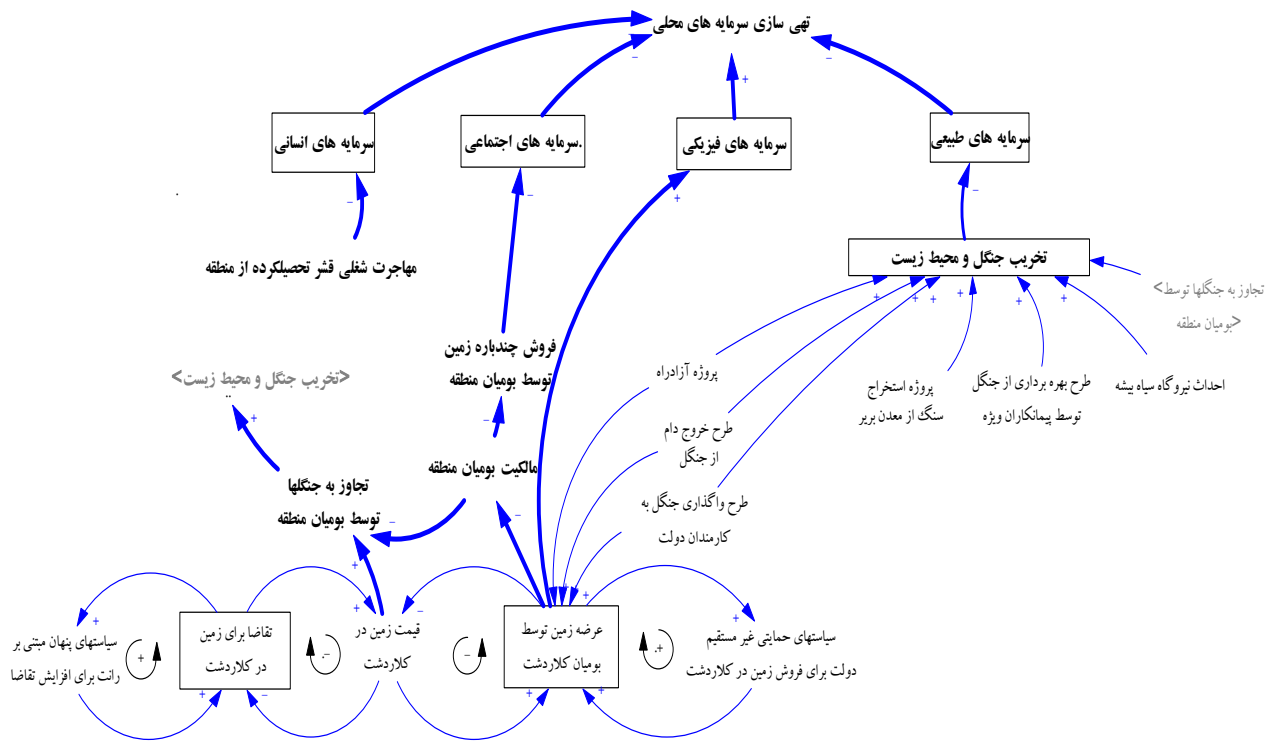
مالکیت بومیان کلاردشت از زادگاهشان از یک سو و افزایش قیمت زمین از سوی دیگر، سبب ظهور سازوکارهایی شده که پیامد آن تجاوز بومیان منطقه به حریم جنگلها و مراتع با هدف کسب یا جبران مالکیت از دست رفته است. همچنین کاهش مالکیت بومیان کلاردشت و جذابیت ناشی از بالا رفتن قیمت زمینهای منطقه، گاهی سبب فروش چندباره زمین، توسط آنها شده که پیامد آن کاهش شاخص‌های سرمایه اجتماعی (همچون اعتماد متقابل و تشخیص فرهنگی) در کلاردشت بوده است.

مهاجرت شغلی قشر تحصیلکرده کلاردشت از زادگاهشان به دیگر نقاط داخل، یا خارج از کشور و همچنین عدم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی بر روی زیر ساخت‌های اساسی همچون دانشگاهها، مراکز علمی- پژوهشی، مراکز رشد نوآوری (انکوباتورها)، پارک‌های علم و فناوری نیز، باعث رشد ایستا، یا کاهش سرمایه‌های انسانی در کلاردشت شده است.

خلاصه این‌که، کاهش سرمایه‌های طبیعی، اجتماعی و انسانی در کنار افزایش بی‌رویه سرمایه‌های فیزیکی (با ماهیت خوردنگی سه طیف سرمایه یادشده)، تهی‌سازی سرمایه‌های محلی در کلاردشت را در پی داشته است.

با توجه به مدل شکل بالا؛ پروژه‌های احداث نیروگاه آبی سیاه پشه (از سیاست‌های ویژه دولتی تبعیت می‌کند)، طرح بهره برداری (غیرعلمی) از جنگل توسط پیمانکاران ویژه، پروژه استخراج سنگ‌های تزئینی از معدن بریر، پروژه آزاد راه تهران- شمال، طرح خروج دام از جنگل یا مرتع، طرح واگذاری اراضی جنگلی به کارمندان دولت و تخریب جنگل‌ها توسط مردم، از یک سو منجر به عرضه (فروش) زمین‌های بیشتر در منطقه شده و از سوی دیگر، تخریب فزایندهی جنگل‌ها و محیط‌زیست کلاردشت را در پی داشته است.

مدل مفهومی شکل شماره (۱۲)، پیامدهای بعدی ناشی از سازوکارهای شکل شماره (۱۱)، را به تصویر کشیده است.
 بر اساس مفاهیم نهفته در شکل پایین، تخریب جنگل‌ها و محیط‌زیست، باعث کاهش سرمایه‌های طبیعی منطقه شده است. فروش روزافزون زمین در کلاردشت نیز، منجر به افزایش سرمایه‌های فیزیکی و کاهش سهم مالکیت بومیان منطقه از زادگاهشان شده است (برارپور و کلاتر، الف ۱۳۸۵). کاهش سهم



() :

(منبع: یافته‌های پژوهش)

دو حلقهٔ کنترلی با بازخورد منفی ایجاد کرد که هدف آن اجرای دوسناریوی زیر باشد:

۱- حذف سیاست‌های حمایتی غیرمستقیم دولت برای فروش زمین

در کلاردشت

۲- حذف سیاست‌های مبتنی بر رانت، برای افزایش تقاضای زمین در کلاردشت که در طول زمان منجر به گسترش فرهنگ دلالی و واسطه‌گری در منطقه شده است

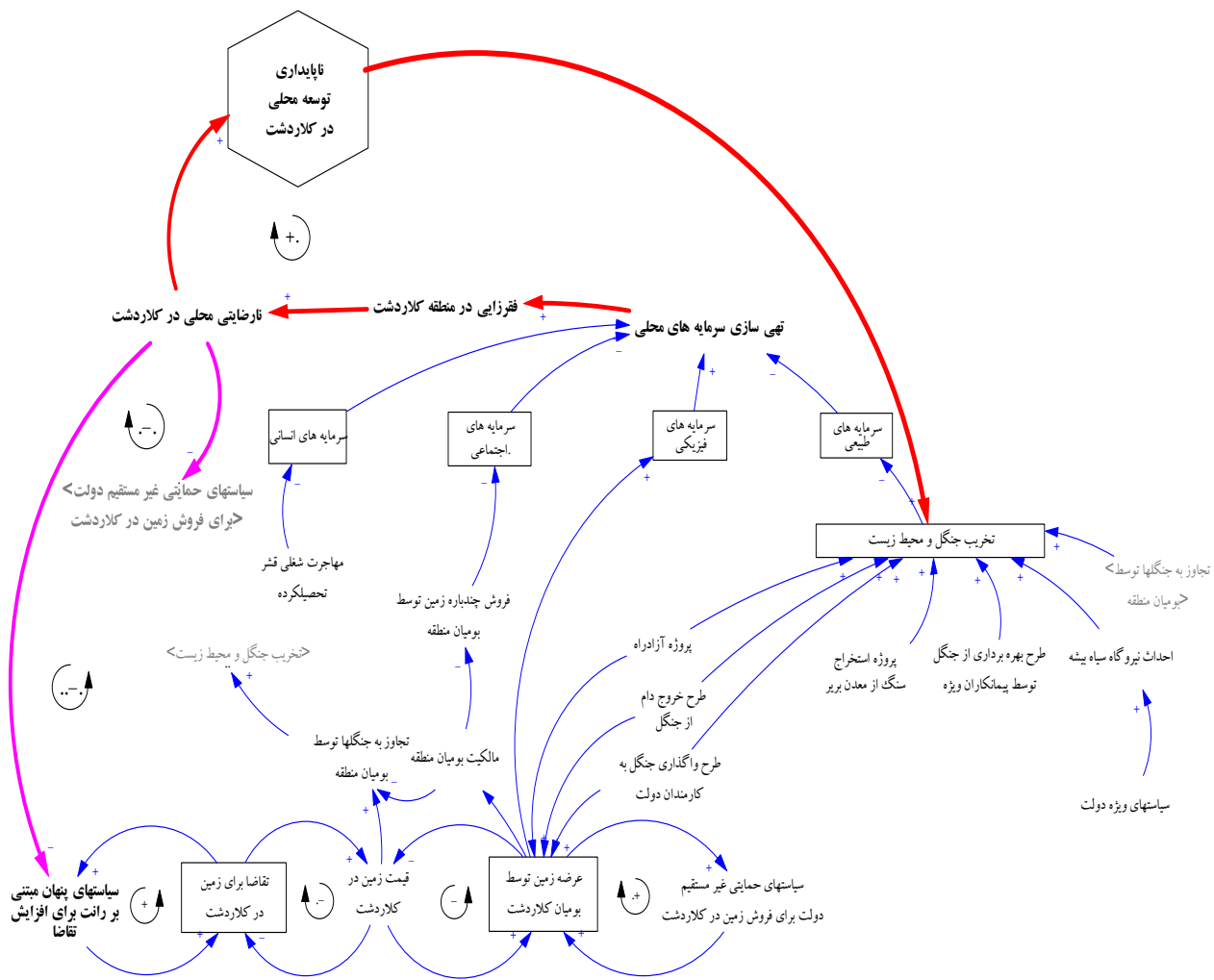
یکی از دستاوردهای گام کدگذاری محوری، استخراج مفاهیم محوری از دل شبکه‌های مفهومی مرکب از علت‌ها و پیامدها در شکل‌های پیش گفته است.

همان‌طوری که در شکل شماره (۱۴)، نمایش داده شده، مفاهیم: "نادیده انگاری جامعهٔ محلی نسبت به آینده زادگاهشان"، "بازدهٔ پایین اقتصاد کشاورزی در جامعه محلی"، "افزایش جمعیت جامعهٔ محلی" و "ضعف عملکرد دولت"، به عنوان مفاهیم محوری، شناسایی شده‌اند.

شکل شماره (۱۴)، به یکپارچه سازی موضوعی گروه‌های مفهومی نیز پرداخته است

بر اساس نظریهٔ «چرخه تخریب محیط‌زیست» Gladwin، و مدل مفهومی شکل شماره (۱۳)، تهی‌سازی سرمایه‌های محلی در کلاردشت، منجر به فقرزایی، یا تضعیف پایه‌های کسب و کار، نارضایتی مردمی و درنهایت ناپایداری توسعه، یا سستی ارکان توسعهٔ محلی شده است (برابریور، ۱۳۸۵).

ناپایداری توسعهٔ محلی نیز با ارائه بازخورد مثبت به پدیدهٔ تخریب، چرخهٔ تخریب را تشدید می‌کند. اما در برخورد با پدیده "چرخه تخریب محیط زیست" در کلاردشت، این سؤال مطرح می‌شود که برای کاهش نارضایتی مردمی، یا برای انتقال ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت به سمت پایداری، چه سیاست‌های بهینه، یا اقدامات اساسی‌ای را می‌باید طراحی و استفاده کرد؟ مطابق شکل شماره (۱۳)، برای درهم شکستن مدل مفهومی شکل شماره (۸)، که پیشتر تشریح شد و تعامل عرضه و تقاضای زمین در بازاری مبتنی بر رانت، می‌باید



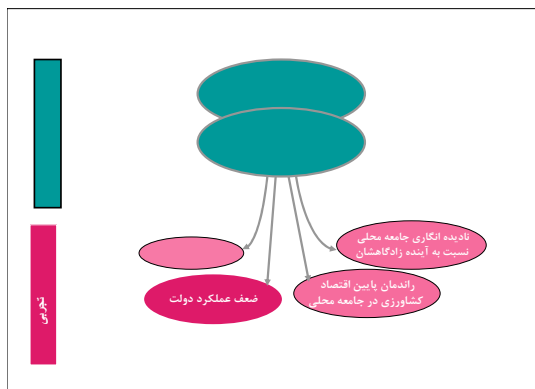
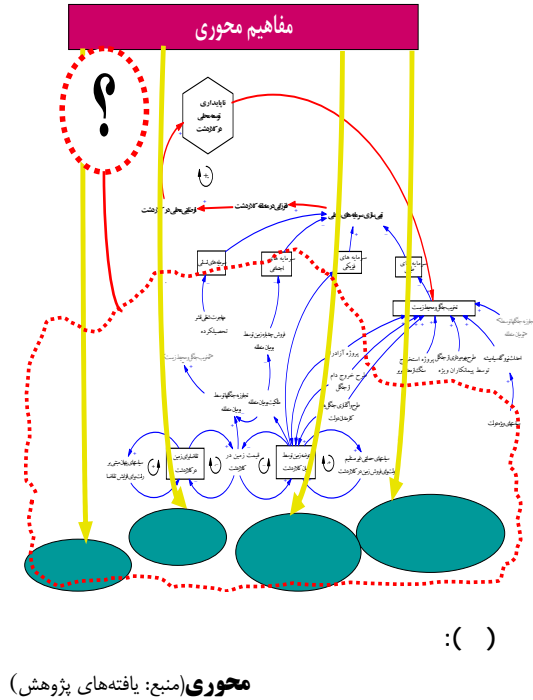
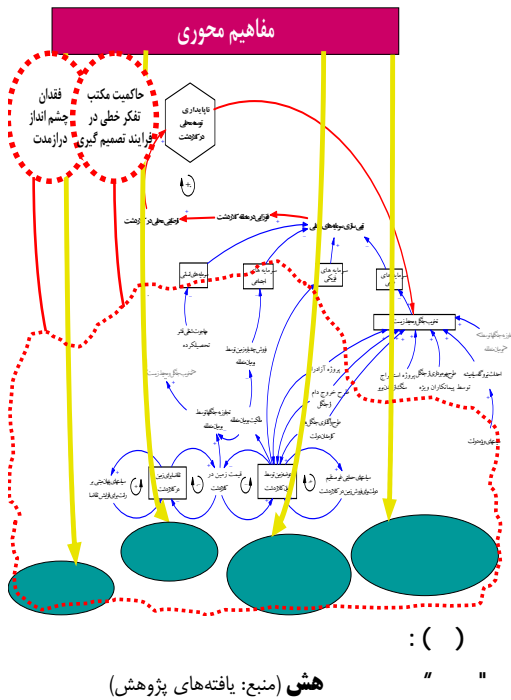
() :

(منبع: یافته‌های پژوهش)

محلی و تبعیت مدل‌های ذهنی مردم، مدیران و سایر ذی‌نفعان دخیل در فرآیند تصمیم‌گیری، از "مکتب تفکر خطی" بر می‌گردد. مکتب تفکر خطی، رفتار پدیده‌ها را در گستره‌های محدود، یا حوزه‌های خاصی از واقعیت‌های مرتبط با پدیده، بدون در نظر داشتن ارتباط سیستمی آن با سایر پدیده‌ها توضیح می‌دهد. بنابراین مطابق شکل شماره (۱۵)، مفهوم محوری "چشم‌انداز"، در کنار "تفکر خطی" (LT)، حلقه مفقوده پازل شبکه مفهومی این پژوهش، در مرحله تحلیل داده‌هاست. بدین ترتیب از این مرحله به بعد، زمینه‌های رویش و شکل‌گیری نظریه، در این پژوهش فراهم می‌شود.

شبکه مفهومی شکل شماره (۱۴) از طریق گروه‌های مفهومی خود، به توضیح علل وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست جامعه محلی کلاردشت می‌پردازد، اما، رویدادهای پس از وقوع، یا در آستانه وقوع چرخه تخریب را که ریشه در نبود "چشم‌انداز درازمدت" و "نگرش خطی" در بین ساکنان محلی، مدیران محلی و سیاست‌گذاران کلان دارد، بدرستی توضیح نمی‌دهد.

به عبارت دیگر: پس از وقوع چرخه تخریب محیط‌زیست، یا بحران‌های ناشی از ناپایداری توسعه محلی، در فرایندهای تصمیم‌گیری محلی، یا کلان فرایندهای تصمیم‌گیری کشور چه اتفاقاتی رخ میدهد که رخداد آنها سبب تشدید، یا تکرار پدیده تخریب میشود؟ پاسخ سؤال فوق به نبود "چشم‌انداز درازمدت" برای آینده جامعه

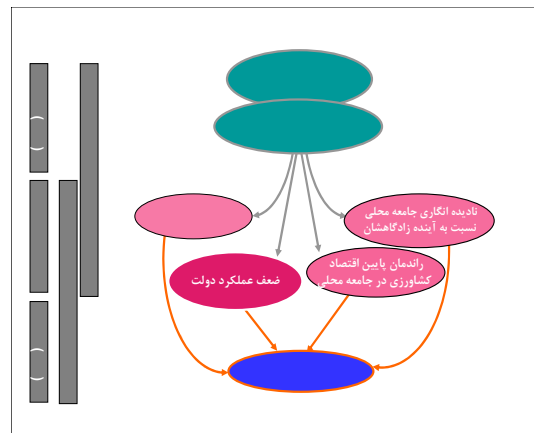


(منبع: یافته‌های پژوهش)

"مفهوم"، درک و برداشت انسان از واقعیت‌هاست و "اصول"، رابطه بین این مفاهیم را بیان می‌کنند. نظریه‌ها دو کارکرد اصلی را بر عهده دارند: ۱- کمک به درک پدیده و توضیح چگونگی رخداد آن. ۲- کمک به پیش‌بینی رخداد اتفاقات در آینده (غفاریان، ۱۳۸۲). در شکل شماره (۱۷) مفاهیم و اصول شکل‌دهنده نظریه‌های پژوهش مشخص و بر این اساس، این نظریه‌ها (سه نظریه) شکل می‌گیرد:

() این فرایند، مکمل و همپوش فرایندهای آزاد و محوری بوده که طی آن، ارتباط علی و سلسله مراتبی مفاهیم محوری مشخص می‌شود. مطابق شکل شماره (۱۶)، دو مفهوم مرجع "حاکمیت تفکر خطی بر کلان فرایندهای تصمیم‌گیری" و "فقدان چشم‌انداز درازمدت برای آینده" که برآمده از دانش نظری پژوهشگر است، علت اصلی بروز ۴ مفهوم محوری "نادیده انگاری جامعه محلی نسبت به آینده زادگاهشان"، "بازده پایین اقتصاد کشاورزی در جامعه محلی"، "افزایش جمعیت جامعه محلی" و "ضعف عملکرد دولت"، که نتیجه فشرده‌سازی دانش تجربی این پژوهش است، تشخیص داده شده است

(از دیدگاه مور، نظریه عبارت‌است از: چکیده ساختار یافته‌ای از آنچه راجع به موضوع می‌دانیم. نظریه فشرده کردن دانش در حد ایده‌های اصلی آن است. نظریه، الگوها و روابط نهفته در پدیده‌ها را نشان می‌دهد (غفاریان، ۱۳۸۲). نظریه، از مفاهیم^{۲۲} و اصول^{۲۳} ساخته می‌شود.



شکل شماره (۱۷): مفاهیم و اصول شکل دهنده فرآیند

نظریه‌سازی (منبع: یافته‌های پژوهش)

● حاکمیت مکتب تفکر خطی بر مدل‌های ذهنی مردم و مدیران جوامع کمتر توسعه یافته (همچون ایران)، سبب می‌شود تا آنها برای تأمین معاش و دیگر نیازهای روزمره‌شان به راه‌حل‌های موقت، همچون فروش زمین، یا فروش تراکم روی بیاورند. فروش منبع محدودی همچون زمین، اگرچه در کوتاه‌مدت سبب کسب موفقیت و رفع مشکل می‌شود، در درازمدت موجب فعال‌سازی یا تقویت سازوکارهای رشد چرخه تخریب محیط‌زیست می‌شود. بنابراین نظریه اول به صورت زیر بیان می‌شود:

”حاکمیت مکتب تفکر خطی بر مدل‌های ذهنی مردم و مدیران جوامع کمتر توسعه یافته- درباره تسخیر طبیعت و روش استفاده از منابع طبیعی- که بر راه‌حل‌های موقت برای رسیدن به منافع کوتاه‌مدت متمرکز است، با تأخیرهای زمانی، حلقه‌های پویا با بازخورد مثبتی را ایجاد میکند که سبب تقویت سازوکارهای رشد چرخه تخریب محیط‌زیست میشود“

● در صورتی که ملتی فاقد چشم‌انداز درازمدت و تصویر مثبت، زنده و شفاف از آینده‌اش باشد، منفعت‌طلبی، یا زیاده‌خواهی‌های کوتاه‌مدت افراد، جایگزین راهبردی‌های درازمدت مبتنی بر خلق ثروت میشود.

در چنین شرایطی، حلقه‌های رشد چرخه تخریب محیط‌زیست، با این نوع تفکر که ”ثروت، ارث بردنیست و نه آفریدنی“ فعال و سرمایه‌های کلیدی جامعه همچون سرمایه‌های انسانی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی، نابود میشود.

بنابراین نظریه دوم به صورت زیر بیان می‌شود:

”در جوامع با اقتصاد متکی بر ”منابع روزمینی، یا ذخایر زیرزمینی“، فقدان چشم‌انداز درازمدت نسبت به آینده، سبب فعال شدن سازوکارهای رشد چرخه تخریب محیط‌زیست در آن جوامع می‌شود. در جوامع فاقد چشم‌انداز درازمدت برای آینده، جمعیت به صورت بی‌رویه و غیر برنامه‌ریزی شده رشد می‌کند. رشد جمعیت موجب افزایش تلاش عمومی، برای سهم بیشتر از منابع محدودی همچون زمین میشود. محدودیت منابع کمیابی مانند زمین و رقابتی شدن محیط اقتصادی، سبب فعال شدن سازوکارهای چرخه تخریب محیط‌زیست می‌شود.“
بنابراین نظریه سوم به صورت زیر بیان میشود:

”در جوامع فاقد چشم‌انداز با رشد بی‌رویه جمعیت، راهبردهای تخریب محیط‌زیست زمانی طراحی می‌شود که محدودیت منبع با ارزشی همچون زمین و دیگر ذخایر رو یا زیرزمینی، به شدت حس شود یا محیط تخریب رقابتی باشد و یا هر دوی این موارد با هم رخ دهد.“

(کفایت نظریه‌ها با ”خطاسنجی“ ارزیابی می‌شود. مبنای منطقی خطاسنجی قانون ”رفع مؤلفه“ است. در این قاعده، روند استنتاج منطقی، از نفی نتیجه به نفی مقدمه می‌رسد. کاربرد این قانون در تعیین کفایت نظریه‌ها یکی از نوآوری‌های فیلسوف اتریشی، ”کارل پوپر“ است. وی اثبات نظریه‌ها را ناممکن می‌داند و به جای آن فقدان شواهد کافی برای رد نظریه را نشانه کفایت نظریه (تا بروز شواهد رد) می‌داند. در این روش به ساختار منطقی نظریه توجه می‌شود. پوپر برای این موضوع سه شرط مقدماتی (ویژگی‌های یک نظریه) و یک شرط کفایت (رفع مؤلفه) پیشنهاد کرده است که، در مجموع به عنوان چهار گام ”خطاسنجی“ پذیرفته شده و عبارت‌است از:
۱- بررسی سازگاری اجزای نظریه، ۲-۲- تفکیک بخش‌های منطقی و تجربی نظریه، ۳- سنجش قدرت پیش‌بینی نظریه و ۴- بررسی کارکرد تجربی نظریه (غفاریان، ۱۳۸۲).

این بررسی به دنبال اطمینان از عدم وجود تناقض بین اجزای داخلی نظریه است. برای این کار سه شرط ضروری است:
۱- مجموعه عبارات مستقل نظریه (فرض‌ها و اصول) با یکدیگر تناقض نداشته باشند ۲- مجموعه عبارات وابسته نظریه (پیش‌بینی‌ها و نتایج نظریه) با یکدیگر تناقض نداشته باشند ۳- هیچ‌یک از اصول، و یا فرض‌های مستقل، درون خود دچار تناقض نباشند. در صورت وجود این سه شرط نظریه دارای سازگاری داخلی بوده و استنتاج نتایج از مقدمه

آن جایزاست. هر ۴ نظریه ارائه شده با این معیارها مورد ارزیابی قرار گرفت و هیچ تناقض منطقی بین اجزای آن مشاهده نشد.

اجزای نظری و تجربی بخوبی از یکدیگر قابل تفکیک و بخش‌های تجربی ابطال پذیر هستند.

در این گام مطابق شکل‌های شماره (۱۶ و ۱۷)، بخش‌های نظری و تجربی نظریه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا از ارزش منطقی و ابطال‌پذیری آنها اطمینان حاصل شود. در نظریه‌های پیشنهادی

در این گام، قدرت پیش‌بینی نظریه‌های پیشنهادی در مقایسه با چند نمونه از نظریه‌های قبلی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این صورت مطالعات موردی پژوهش، مبنا و معیار مقایسه قرار داده میشود. نتایج حاصل از این فعالیت در جدول شماره (۲)، نمایش داده شده است.

() :

	X	Y	Z	W	J	K	
نظریه‌های ارائه شده توسط کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست و بانک جهانی	H		H	H	M		
نظریه سازمان ملل و بارو	H	W				H	
نظریه گلاوین و فولر	H	M	W	H	W	W	
نظریه سوباتینا	H			H			
نظریه پیشنهادی اول	H	H	H	H	H	M	
نظریه پیشنهادی دوم	H	H	H	H	H	H	
نظریه پیشنهادی سوم	H	H	H	H	M	H	

توضیح قوی: H: ۳ امتیاز
توضیح مناسب: M: ۲ امتیاز
توضیح ضعیف: W: ۱ امتیاز

ارزیابی نظریه‌ها در جدول بالا نشان می‌دهد که نظریه‌های پیشنهادی جدید، قدرت توضیح‌دهی بیشتری را ارائه می‌کنند. دلیل این امر در ماهیت و چگونگی شکل‌گیری این نظریه‌هاست. به عبارت دیگر، نظریه‌های جدید به این دلیل که نسبت به دیگر نظریه‌های بررسی شده در این پژوهش، گستره وسیع‌تری از واقعیت‌های مربوط به مطالعات موردی کشور ما را که در این نوشتار

مرور شد، در بر می‌گیرد، از کارکرد تجربی بالاتری برخوردار است. مسئله تخریب محیط‌زیست در سطح جهانی، مورد بررسی قرار گرفته، اما پدیده‌های مهمی همچون: "فقدان چشم‌انداز درازمدت و حاکمیت تفکرخطی بر مدل‌های ذهنی مردم و مدیران جوامع کمتر توسعه یافته‌ای همچون ایران"، که علت اصلی تخریب محیط‌زیست در این جوامع است، تاکنون مورد بررسی قرار نگرفته است. در ۳۶ مفهوم به عنوان علل و پیامدهای چرخه تخریب محیط‌زیست، در شش مطالعه

موردی استخراج شده و سپس بر مبنای روش رویش نظریه در قالب چهار مفهوم محوری خلاصه شده است. این یک دانش فشرده شده است که با غنای محتوایی بیشتر، محدوده گسترده‌تری از رفتار پدیده (چرخه تخریب) را توضیح می‌دهد. از سوی دیگر برقراری ارتباط بین مفاهیم (که در مطالعات قبلی انجام نشده بود) و اضافه کردن بخش نظری به اجزای تجربی، ایجاد یک مفهوم فراگیرتر با قدرت تبیین محدوده وسیع‌تری از پدیده را سبب شده است. مراد از ارائه "نظریه" نیز همین بود، که در این مرحله حاصل شد.

مطالعات این پژوهش نشان می‌دهد که حضور و حمایت دولت از بخش عرضه زمین در کلاردشت و همچنین اعمال سیاست‌های برنامه‌ریزی شده عوامل وابسته به رانت در بخش تقاضای زمین، باعث به هم خوردن تعادل اقتصادی در آن منطقه، نه فقط در حوزه خرید و فروش زمین، بلکه در دیگر حوزه‌ها نیز شده است. پیامدهای بعدی این پدیده نیز تخریب محیط‌زیست، فقرزایی و ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت بوده است. گذشته از نقش دولت در گسترش ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت، مردم آن منطقه نیز به دلایل متعددی که در این نوشتار به آنها اشاره شده، به ناپایداری توسعه محلی و تخریب محیط زیست دامن زده‌اند. مطالعات آینده پژوهان درباره علل موفقیت ملت‌ها (خواه باستانی و خواه معاصر) نشان می‌دهد: ملتی که فاقد چشم‌انداز درازمدت و تصویر مثبت از آینده‌اش باشد، هیچ‌گاه به موفقیت‌های بزرگ نایل نمیشود و نسل‌های پسین آن، همواره پاسخگوی خطای راهبردی پیشینیان خود خواهند بود. با توجه به تخریب‌های زیست‌محیطی صورت گرفته در کلاردشت و به هم خوردن آمایش سرزمینی آن منطقه، مردم، دستگاهها، نهادهای مدنی و دیگر سازمانهای مردم نهاد، همگی می‌باید دست به دست هم بدهند تا با تعریف و تبیین چشم‌اندازی درازمدت، (البته) بر اساس ارکان جهت‌ساز سند چشم‌انداز ملی، به طراحی طرحی جامع برای کلاردشت مبادرت بورزند که مطابق با استانداردهای جهانی، ۵۰ سال آینده را هدف قرار داده باشد. به طوری که این منطقه زیبا و استثنایی از کشورمان را به سمت آینده‌های مثبت و روشن هدایت کند. برای تحقق این مهم ابتدا باید سیاست‌های حمایتی دولت از پروژه‌هایی که معمولاً در فاز امکان‌سنجی، بسیار ضعیف و غیر علمی ظاهر میشوند، کنار گذاشته شود. به عبارت دیگر، دولت باید مطابق با اصل ۴۴ قانون اساسی کشور به فعالیتهای حاکمیتی بپردازد، و نه تصدی‌گری! البته این بدان مفهوم نیست که طرح‌های ملی‌ای که

پیاده‌سازی و اجرای آنها به بخش خصوصی واگذار میشود، به حال خود رها شود. نکته قابل طرح دیگر آن است که اتخاذ سیاست‌های حفاظت از محیط‌زیست توسط دولت‌ها، اگر همراه با مشارکت مؤثر ساکنان محلی و در برگیرنده منافع آنان نباشد، این سیاست‌ها خود، با تاخیرهای زمانی، عامل تخریب محیط‌زیست خواهند بود. در قدم بعدی نیز باید با طراحی سیاست‌های نظارتی دقیق و علمی، کلیه فرایندهای مبتنی بر رانتی که به اسم توسعه صنعت گردشگری طبیعی اما با اهداف سودگرایانه، دینامیک‌های رشد چرخه تخریب محیط‌زیست را فعال کرده‌اند، متوقف شود. اما بایستی توجه داشت که عدم برقراری توازن بین نگاههای طبیعت محور و انسان محور به توسعه، باعث گسترش ناحیه تخریب محیط‌زیست میشود بنابراین بایستی با ایجاد توازن بین این دو رویکرد و تعریف "نقطه کار پایداری توسعه" با روش‌های علمی، به مسیر توسعه سمت و سوی پایداری داده شود. همچنین مطابق با اصول ۴۵ و ۵۰ قانون اساسی، سند چشم‌انداز ملی و برنامه چهارم توسعه، منابع طبیعی و محیط زیست ایران متعلق به همه نسل‌های این مملکت است و هیچ کس یا هیچ طرح توسعه‌ای (یا غیر توسعه‌ای)، حق ندارد به محیط‌زیست کشور آسیبی برساند. امید است در کشور ما، احترام به قانون، بویژه قوانین زیربنایی، به ارزش اساسی مشترک تبدیل شود. مطالعات واترز (۱۹۹۵) نشان می‌دهد که: "اگر رهبران سیاسی دولت-ملت‌ها در مقابل تخریب‌های زیست‌محیطی اقدامات چاره‌جویانه‌ای را انجام ندهند، پدیده‌ای به نام وحشت زیست‌محیطی همه‌جای سیاره خاکی را فرا خواهد گرفت". بنابراین تمامی دولت‌ها از جمله کشورما، مطابق معاهدات بین‌المللی، موظف به رعایت موازین زیست‌محیطی هستند.

اگرچه این پژوهش به صورت داوطلبانه انجام شده، نقش حمایتی شورای شهر کلاردشت در فرایند اجرای آن انکارناپذیر است. از این نهاد مردمی، صمیمانه سپاسگزاری میشود.

- 1-Second Home
- 2-Communities
- 3-Methodology
- 4-Grounded Theory

۵-دانایی فرد، ص ۱۹

۶-دانایی فرد، ص ۱۳۳

16-Concept Formation	۷-این پژوهش به این دلیل که قابل به کدگذاری است متکی به
17-Concept Mapping	رویکرد استراوس و کاربن میباشد
۱۸- معمولاً سیاست های مداخله جویانه (Intervention) دریک	8-Cases
سیستم، باتاخیرهای زمانی، سبب بروز پدیده مقاومت در برابر سیاست	۹-دانایی فرد، ص ۱۳۶
(Policy Resistance) میشود	10-Concepts
19-Vision	11-Categories
20-Linear Thinking	12-Propositions
21-Concepts	13-Open Coding
22-Principles	14-Axisal Coding
	15-Selective Coding

برارپور، ک. ب. ۱۳۸۵.، سنجش وضعیت ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت فصل نامه پژوهش های جغرافیایی دانشگاه تهران شماره ۶۳ ۱۹۲ ۱۷۳

برارپور، ک. و کلاتر، ک. الف. ۱۳۸۵. کلاردشت و معمای ناپایداری توسعه، مجموعه مقالات چهارمین کنفرانس بین المللی مدیریت ۲۷۲-۲۴۹

برارپور، ک. و کلاتر، ک. ب. ۱۳۸۵. نقدی بر ناپایداری توسعه محلی در کلاردشت، مجله تدبیر ۶۹-۶۵

برارپور، ک. و صلاحی نژاد، م. ۱۳۸۵. تغییر برنامه ریزی شده در سیستم های مدیریت شهری غرب مازندران، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی مدیریت استراتژیک ۴۷۰-۴۴۸

دانایی فرد، ح. ۱۳۸۳.، روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت، تهران: انتشارات صفار، چاپ اول ۲۸۸ صفحه.

غفاریان، و. ۱۳۸۲. بررسی علل شکست استراتژی ها، رساله دکتری مهندسی صنایع، دانشکده مهندسی صنایع، دانشگاه علم و صنعت ایران ۳۲

لواسانی، ا. ۱۳۷۱. اعلامیه کنفرانس بین المللی محیط زیست در ریودو ژانیرو، سیاست خارجی، سال ششم، ش ۳-۲، (تهران- دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه)، ۶۰-۴۰.

ملک پور، ع. ۱۳۷۸. کلاردشت (جغرافیا، تاریخ و فرهنگ)، انتشارات کارآفرینان، چاپ دوم ۳۸۴ صفحه.

Barrow C.J. 2005. Environmental Management and Development, London and New York: Rout ledge.

Gladwin, T. N. 1997. Developing reputations for global sustainability. Stern Business 4, 28-31.

Gladwin, T. N. 2000. A Call for Sustainable Development. Mastering Strategy. Harlow, Financial Times / Prentice Hall

Gladwin, T. N., Kenneely, J. & Krause, T. 1995. Shifting Paradigms for Sustainable Development: Implications for Management Theory and Research. Academy of Management Review, 20 (October), 874-907

Soubbotina, T. P. 2004. Beyond Economic Growth; An Introduction to sustainable Development, Washington, D.C., The World Bank

Sterman,j.D. 2000., Business Dynamics, Mc Grow-Hill Higher Education, pp.85-104.

The world bank.2006a. Development Glossary. Washington D.C., The World Bank Group.

The world bank.2006b. Sources of Social Capital. Washington D.C., The World Bank Group.

The world bank.2006c. What is Sustainable Development? Washington D.C., The World Bank Group

The world bank.2006d. Where is the Wealth of Nations? Measuring Capital for the 21st Century, Washington D.C., The World Bank Group

Undp .2005.Human Development Report. 2005. International cooperation at a crossroad, New York, United Nations Development Program

United Nations .2006. Trends in Sustainable Development, New York, United Nations, Department of Economic and Social Affairs Waters M.(1995), Globalization, London : Rout ledge.

World commission on environment and development .1987. Our Common Future, Oxford, Oxford University Press